

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات لوقا - اعمال رسولان جلسه اول، کتابشناسی لوقا، مرور کلی باک، و نویسنده

این دکتر رابرت ای. پترسون در حال تدریس الهیات لوقا-اعمال رسولان است. این جلسه اول، کتابشناسی لوقا و سپس مرور کلی و نویسندگی دارل باک است.

به دوره ما در مورد لوقا و الهیات خوش آمدید. این به اصطلاح الهیات انجیل لوقا و کتاب اعمال رسولان، کتاب دوم او، خواهد بود.

بیاید قبل از انجام هر کار دیگری دعا کنیم. پدر مهربان، از تو به خاطر کلام مقدست سپاسگزارم. از تو به خاطر استفاده از لوقا برای ارائه بیش از نیمی از عهد جدید سپاسگزارم. به ما بینشی در مورد افکار و نوشته‌های او و پیامی که از طریق او دادی، عطا فرما. در نام عیسی دعا می‌کنیم که مطابق رضای تو در ما عمل کند. آمین.

در واقع، ما می‌خواهیم در مورد الهیات لوقا، چه در انجیلی که او نوشت و چه در کتاب اعمال رسولان او فکر کنیم. بیاید با برخی از کتابشناسی‌های مربوط به انجیل لوقا شروع کنیم. دارل باک، محقق برجسته انجیلی لوقا است.

دارل در مدرسه علمیه دالاس تدریس می‌کند. شاید او را در تلویزیون در این مناظرات مختلف درباره رمز داوینچی یا هر چیز دیگری دیده باشید. او صدای راست‌کیشی و معقولیت است.

او روحیه‌ی مسیحی شیرینی دارد. او حقیقت را به خطر نمی‌اندازد. او، به همراه کریگ بلیزینگ، یکی از معماران تدبیرگرایی مترقی است که داستان طولانی است، اما از نظر این متکلم عهدگرا، پیشرفتی نسبت به تدبیرگرایی کلاسیک است که خود نوعی الهیات انجیلی بود.

در هر صورت، دارل دو جلد کتاب نوشته که کل انجیل لوقا را در تفسیر تفسیری عهد جدید که توسط بیکر منتشر شده، پوشش می‌دهد و آنها واقعاً خوب هستند، واقعاً خوب. او مفسر خوبی است، او متکلم خوبی است، او خوب می‌نویسد. اگر داشتید، به نظرم می‌توانید آنها را در کتابخانه کلیسا یا جایی، مثلاً آنلاین نمونه‌برداری کنید، کمی بخوانید تا مطمئن شوید که در سطح شما هستند، اما آنها خوب هستند، واقعاً خوب هستند.

جوئل گرین در مدرسه الهیات آزیری تدریس می‌کرد. او یک محقق بسیار برجسته عهد جدید در سنت آرمینیوسی است. او نه تنها به تفسیر، بلکه به تفسیر و الهیات نیز علاقه واقعی پیدا کرده و به مدرسه الهیات فولر در کالیفرنیا نقل مکان کرده است تا برنامه آنها را که ترکیبی از تفسیر و الهیات است، رهبری کند.

انجیل لوقای او در یک تفسیر بین‌المللی جدید بر عهد جدید، فوق‌العاده است. گمان می‌کنم در مورد برخی از جزئیات با بوک توافق بیشتری داشته باشم، اما گرین سال‌ها تجربه دارد، همانطور که باک هم همینطور است، اما تفسیر گرین با در نظر گرفتن مطالعات اجتماعی-بلاغتی نوشته شده است و همیشه با او موافق نیستم، اما وای، بیشتر اوقات من اینطور هستم، و به من آموخته شده و واقعاً انگیزه دارم که در مورد لوقا

فکر کنم. ما یک بار دیگر کمی با تفسیر جوئل گرین کار خواهیم کرد، آن را امتحان کنید تا ببینید آیا مورد پسند شما هست یا خیر.

آی. هاوارد مارشال، محقق برجسته بریتانیایی، همچنین متدیست، و عهد جدید که سال‌ها تدریس کرد و اکنون بازنشسته شده است و هنوز در قید حیات است، تا جایی که من می‌دانم، کتاب بسیار مهمی با عنوان لوقا، مورخ و الهی‌دان «را در زمانی نوشت که نوشته‌های انجیل لوقا، به ویژه اعمال رسولان، به دلیل عدم اعتبار تاریخی واقعاً مورد انتقاد قرار می‌گرفتند. مارشال با این موضوع مخالفت کرد. او یک محقق مشهور جهانی است، به ویژه به خاطر آموزش ده‌ها محقق عهد جدید انجیلی پس از اف. اف. بروس مشهور است.

هاوارد مارشال افراد بسیار زیادی را از سنت‌های مختلف انجیلی آموزش داد، کسانی که امروزه به تدریس در حوزه‌های علمیه ما ادامه خواهند داد و دیگران را نیز آموزش می‌دهند. کتاب او واقعاً محکم و مفید است نکته بعدی به طرز شگفت‌آوری درخشان و بی‌نظیر است، این با شوخی و طنز است، اینها حروف اول اسم من هستند، بعداً شما را با کلیسای در کتاب اعمال رسولان آشنا خواهم کرد.

اما در هر صورت، اول از همه، با دارل باک و جلد اول تفسیر لوقا با مقدمه‌ای بر انجیل لوقا شروع می‌کنیم. مرور کلی.

انجیل لوقا حداقل از دو جهت منحصر به فرد است. اول، طولانی‌ترین انجیل است. در نسخه استاندارد یونانی، متی ۸۷ صفحه را اشغال می‌کند. مرقس، از طریق پایان کوتاه مرقس ۸:۱۶، ۶۰ صفحه است. یوحنا در حالی که لوقا ۹۶ صفحه را اشغال می‌کند. یک بار دیگر. اینها صفحات عهد جدید یونانی نستله-آلن، ۷۳ هستند. متی، ۸۷ صفحه؛ مرقس، ۶۰؛ یوحنا، ۷۳؛ و لوقا، ۹۶ صفحه. مقایسه آیات، تعداد مشابهی را نشان می‌دهد. متی ۱۰۷۱ آیه دارد. مرقس، ۶۷۸. یوحنا ۸۶۹ آیه دارد، در حالی که لوقا شامل ۱۱۵۱ آیه است.

دوم، این تنها انجیلی است که دنباله دارد. به این ترتیب، لوقا نه تنها عیسی و رسالت او را معرفی می‌کند بلکه نشان می‌دهد که چگونه این رسالت با دوران اولیه کلیسا در کتاب اعمال رسولان مرتبط است. این ارتباط، لوقا را قادر می‌سازد تا در مورد چگونگی تحقق نجات توسط خداوند در عیسی، چگونگی موعظه عیسی توسط کلیسای اولیه و چگونگی انجام مأموریت آنها برای یهودیان و غیر یهودیان بحث کند. این دو جلد و پیام آنها عملاً از هم جدا نیستند.

علیرغم تقسیم‌بندی‌های متعارف، انجیل لوقا اغلب پایه و اساس بسیاری از مسائلی را که پاسخ آنها در اعمال رسولان آمده است، بنا می‌نهد. این موضوع مشکلی را ایجاد می‌کند. لوقا و اعمال رسولان دو بخش از یک اثر هستند.

پس واقعاً، عهد جدید باید متی، مرقس، لوقا-اعمال رسولان، یوحنا باشد، یا متی، مرقس، یوحنا، لوقا-اعمال رسولان؟ سوال خوبی است. ما الان قرار نیست آن را تغییر دهیم. اما این چیزی است که من از مطالعه یاد گرفته‌ام، البته به عنوان یک متکلم اصلاح‌شده، من الهیات پولس را می‌شناسم.

احتمالاً این نقطه قوت من است. اما من واقعاً روی الهیات یوحنا تمرکز کرده‌ام. و سخنرانی‌های من در موجود است، مجموعه‌ای کامل از سخنرانی‌ها در مورد الهیات یوحنا، به ویژه biblicalelearning.org. الهیات انجیل چهارم.

اما من در الهیات لوکان تازه کار هستم، اما غرق در آن هستم. فوق‌العاده است. و این نام‌هایی که معرفی کرده‌ام چیزهای زیادی به من آموخته‌اند.

و فقط اینکه من در موردش هیجان زده‌ام. واقعاً هیجان‌انگیزه. و به چیزی که یاد گرفتیم اینه. یکیش در مورد اون مسئله. از اونجایی که لوقا و اعمال رسولان با هم هستن، کجا باید قرارشون داد؟ در حال حاضر، از هم جدا هستن. منطقیه چون چهار انجیل باید با هم باشن.

اما یک اصل مهم وجود دارد. برای مطالعه انجیل لوقا در کتاب اعمال رسولان، ما چندین کار انجام می‌دهیم. ما لوقا را به تنهایی و اعمال رسولان را به تنهایی مطالعه می‌کنیم. ما همچنین لوقا و اعمال رسولان را نیز مطالعه می‌کنیم. دقیقاً به همین روش باید این کار را انجام دهیم. لوقا و اعمال رسولان، نقشه خدا را برجسته می‌کنند.

همه موافقند. این توضیح می‌دهد که چگونه یهودیان و غیریهودیان می‌توانند در جامعه‌ای که توسط خدا بنا شده است، در نهایت برابر شوند، حتی اگر ریشه‌های آن جامعه در ابتدا در وعده‌ای به اسرائیل بنا شده باشد. چهار مسئله به ویژه در کلیسای زمان لوقا مشکل‌ساز بود.

اول، مسئله نجات بود. چگونه غیریهودیان می‌توانستند به عنوان قوم خدا به طور مساوی با یهودیان در نظر گرفته شوند، و این امر حتی به مواردی مانند همسفره بودن و حذف ختنه که در عهد عتیق، از پیدایش ۱۷ به بعد، نشانه عهد بود، نیز گسترش می‌یافت؟ چگونه امید خدا برای شامل کردن همه نژادها و حذف بسیاری از چیزهایی که مربوط به شریعت و سنت یهود بود، گشوده شد؟ لوقا تا حد زیادی در اعمال رسولان به این سؤالات پاسخ می‌دهد، زیرا توضیح می‌دهد که چگونه خدا کل این فرآیند را هدایت کرد. دوم این پارادوکس ظاهری وجود دارد که در حالی که نقشه خدا در حال اجرا بود، طبیعی‌ترین مخاطب پیام ملت سنت یهود تا حد زیادی واکنش منفی نشان می‌داد.

در واقع، یهودیان حتی مسیحیانی را که امید خدا را به آنها موعظه می‌کردند، آزار و اذیت می‌کردند. چرا نقشه خدا با این همه خصومت روبرو شد؟ آیا این جامعه جدید به دلیل سخاوتمندی در وعده خدا نفرین شد، یا مبارک بود؟ اگر مبارک بود، شواهد چنین برکتی چه بود؟ آیا خدا از کمک به اسرائیل دست کشیده بود؟ آیا جامعه جدید خود را از جامعه ایمانی قدیمی کنار کشیده بود؟ پاسخ لوقا به این سوال این است که کلیسا خود را از اسرائیل جدا نکرد. به موعظه به ملت ادامه داد و عقب‌نشینی نکرد.

بلکه، اسرائیل کلیسا را بیرون کرد و آن را مجبور به تشکیل یک جامعه جدید نمود. انجیل لوقا با شرح جزئیات چگونگی واکنش قوم و به ویژه رهبری آن به عیسی، زمینه را برای این پاسخ فراهم می‌کند. و پاسخ منفی است.

سومین مسئله مربوط به لوقا-اعمال رسولان این بود که چگونه شخصیت و آموزه‌های عیسی مصلوب با نقشه خدا مطابقت دارد. عیسی چگونه می‌توانست، علیرغم غیبت فیزیکی‌اش، همچنان حضور داشته باشد و نمایانگر امید خدا باشد؟ کلیسا چگونه می‌توانست چنین شخصیت غایبی را ستایش کند و او را مرکز کار خدا بداند؟ چگونه یک شخصیت کشته‌شده می‌توانست وعده‌های خدا را به کمال برساند؟ چگونه کمال از طریق او حاصل می‌شد و می‌تواند حاصل شود؟ کتاب اعمال رسولان با تأکید بر تعالی عیسی، پاسخ‌های اصلی را به این سؤالات می‌دهد. از الهیات پولس و یوحنا، ما به تعالی عیسی ایمان داریم، اما کتاب اعمال رسولان رستاخیز و تعالی عیسی را به شیوه‌ای قدرتمند با هم ترکیب می‌کند.

به عروج عیسی بارها اشاره شده است، به خصوص در نوشته‌های پولس، پطرس و یوحنا، اما تنها گزارش‌های واقعی از وقوع آن در لوقا ۲۴ و اعمال رسولان ۱ آمده است که دو بخش کتاب لوقا، دو جلد آن را، درست در نقطه اتصالشان، به هم پیوند می‌دهد. اعمال رسولان با تأکید بر تعالی عیسی، پاسخ اصلی را به این سؤالات می‌دهد. در واقع، همینطور است، اما انجیل لوقا با ارائه مسیح‌شناسی که زیربنای تعالی عیسی است، زمینه را فراهم می‌کند.

مسیح‌شناسی، آموزه مسیح، آموزه‌ای درباره مسیح که تقویت می‌کند، و پایه‌ای برای مرگ، رستاخیز و بازگشت بعدی او به سوی پدر تشکیل می‌دهد. چهارم، پاسخ دادن به عیسی به چه معناست؟ چه چیزی لازم است؟ با انجام چنین تعهدی چه انتظاری می‌توان داشت؟ و چگونه باید تا روز بازگشت عیسی و تحقق امید زندگی کرد؟ به طور خلاصه، مؤمنان و جامعه جدید چه کسانی باید باشند؟ این بار سنگین انجیل لوقا است که ماموریت عیسی و شاگردانی را که از او پیروی می‌کنند، تعریف کند. بخش عمده لوقا توضیح می‌دهد که چگونه عیسی شاگردان را برای عزیمت خود آماده کرد و آنها را برای خدمت در غیاب خود آماده ساخت.

اینجاست که بخش حیاتی لوقا از فصل‌های ۹ تا ۱۹، به اختصار، به اصطلاح روایت سفر، سفر اورشلیم، در انجیل جای می‌گیرد و هدف آن را تعیین می‌کند. بر این اساس، نباید آموزه‌های این انجیل را بیش از حد از دوره کلیسا که در کتاب اعمال رسولان ثبت شده است، جدا کرد. در لوقا ۲۴:۴۴ تا ۴۹، همچنین به لوقا ۵:۳۱، ۳۲، ۳۱:۵ مراجعه کنید، عیسی مأموریت خود را با مأموریت کلیسا برابر می‌داند، ۳۲، ۳۱:۵.

اصول اخلاقی بخش سفر اورشلیم، لوقا ۹ تا ۱۹، و خطبه‌ی دشت به دلیل واقعیت‌های طرد قریب‌الوقوع، آشکار می‌شوند.

لوقا این را برای تثوفیلوس ثبت می‌کند، کسی که نه تنها انجیل لوقا، بلکه کتاب اعمال رسولان را نیز به او تقدیم می‌کند، و در این تقدیم، جلد اول کتاب را به تثوفیلوس یادآوری می‌کند، البته با اشاره به انجیل. لوقا آنها را برای تثوفیلوس ثبت می‌کند تا او بتواند در مورد نقشه خدا، فراخوانده شدن یک شاگرد و چگونگی مشارکت یک شاگرد در وظیفه جامعه برای شناسایی و اعلام عیسی، نه تنها از طریق پیامی که جامعه جدید در مورد عیسی ارائه می‌دهد، بلکه همچنین از طریق نحوه زندگی شاگردان در جهانی که با آن اعلامیه خصمانه است، اطمینان حاصل کند.

انجیل لوقا و دنباله آن، کتاب اعمال رسولان، این سؤالات را پوشش می‌دهند. بنابراین، وظیفه لوقا این است که تثوفیلوس را مطمئن کند، لوقا ۱:۴، به خصوص در مورد حضور بحث‌برانگیز غیریهودیان در یک جامعه جدید. من باید لوقا ۱:۱ تا ۴ را بخوانم. این برای انجیل لوقا برنامه‌ریز است.

از آنجایی که بسیاری تلاش کرده‌اند تا روایتی [داستانی] از آنچه در میان ما به انجام رسیده است، گردآوری کنند، همانطور که کسانی که از ابتدا شاهدان عینی و خادمان کلام بودند، آنها را به ما رسانده‌اند، [لوقا خود را از آن شاهدان عینی متمایز می‌کند]. من نیز که مدتی است همه چیز را از نزدیک دنبال کرده‌ام، صلاح دیدم که شرحی منظم برای شما، عالیجناب تثوفیلوس، بنویسم تا از آنچه آموخته‌اید، مطمئن شوید.

محققان لوقا در مورد اینکه آیا این، خوب، به طور کلی، تثوفیلوس را یک شخصیت واقعی می‌دانند یا خیر بحث می‌کنند. برای نوشته‌های یونانی-رومی قرن اول غیرمعمول نبود که به کسی، شاید یک حامی، تقدیم شوند. اما در این مورد، بحث بر سر این است: آیا او کسی است که به مسیحی شدن فکر می‌کند یا از قبل ایمان آورده است؟ در هر صورت، خوب است که هنگام خواندن انجیل لوقا و اعمال رسولان، تثوفیلوس را زیر نظر داشته باشیم زیرا تثوفیلوس دوباره در همان آیات ابتدایی ظاهر می‌شود. و باخ به ما در انجام این کار کمک می‌کند.

هر از گاهی، او دقیقاً همانطور که اینجا انجام داده است، عمل می‌کند. بنابراین وظیفه لوقا این است که تثوفیلوس را مانند لوقا ۱:۴ مطمئن کند. مهمترین بخش انجیل لوقا، نقش عیسی در نقشه و وعده خداست در حالی که اعمال رسولان ماهیت جامعه جدید، که همان کلیسا خواهد بود، را که از خدمت او پدید آمده است، توصیف می‌کند.

این جامعه جدید ریشه‌های تاریخی در وعده‌های یهودی دارد، اما تحت فشار شدید جامعه باستانی یهود است. فشار بیشتری از سوی مسیحیان یهودی وارد می‌شود که می‌خواهند غیریهودیان با برخی از امور شریعت ارتباط بهتری برقرار کنند. بخش عمده‌ای از یهودیت ادعاهای مسیحیان مبنی بر تحقق وعده‌ها در عیسی را رد کرد.

آیا یک غیریهودی واقعاً به این جامعه جدید تعلق دارد؟ آیا واقعاً خدا می‌تواند پشت جامعه‌ای باشد که با این همه خصومت و طرد روبرو است؟ عیسی واقعاً در زندگی و آموزه‌هایش چه می‌کرد؟ زندگی، آموزه‌ها، مرگ و رستاخیز عیسی چگونه واقعاً منعکس‌کننده «وقایع الهی که در میان ما به وقوع پیوسته» (در لوقا ۱:۱ بود؟ این سؤالات در مورد نقشه خدا، برگزیده او، عیسی، و جامعه جدید در حال ظهور، در قلب انجیل لوقا قرار دارند. بنابراین، انجیل لوقا فعالیت خدای قادر و وفادار را از طریق عیسی، موعودی که راه را نشان می‌دهد، برجسته می‌کند. خدا خود را آشکار می‌کند.

او خود، برگزیده‌اش، وعده‌اش و نقشه‌اش را از طریق کسی که اکنون مسیح و خداوند برخاسته است، آشکار می‌کند. خدا خود، برگزیده‌اش، عیسی، وعده‌اش و نقشه‌اش را از طریق مسیح و خداوند برخاسته آشکار می‌کند. اعمال رسولان ۲:۳۶ و ۱۰:۳۶. اعمال رسولان ۲:۳۶، اعمال رسولان ۱۰:۳۶. انجیل لوقا شخصیت تحقق و نشانه خصومت را معرفی می‌کند، در حالی که اعمال رسولان فصل کلیدی اولیه جامعه جدید را شرح می‌دهد.

لوقا-اعمال رسولان می‌گوید عیسی خداوند همه است، بنابراین نجات می‌تواند نصیب همه شود. نجات بر روی صلیب می‌آید. ببخشید، نجات بر اساس شرایطی که خداوند قیام کرده تعیین می‌کند، می‌آید.

البته، صلیب نقش محوری دارد. راهی جدید، برخلاف یهودیت رسمی، پدیدار شده بود. این راهی بود که در متن مقدس قدیمی عهد عتیق وعده داده شده بود، هرچند که در ابتدا شکل وعده آن درک نمی‌شد.

حتی شاگردان عیسی، در طول خدمت او، مجبور بودند یاد بگیرند که این نقشه چگونه کار می‌کند. لوقا و آیات ۴۴ تا ۴۵. لوقا ۱۸:۳۱ تا ۳۴ و به ویژه لوقا ۲۴:۴۴ تا ۴۷. یک بار دیگر. لوقا ۹:۳۵ و ۴۴ و ۹:۳۵ تا ۴۵. لوقا ۱۸:۳۱، ۳۴، و فصل ۲۴، آیات ۴۴ تا ۴۵.

جدایی جامعه جدید از یهودیت تقصیر مسیحیان نبود. عیسی و کلیسا همیشه به یهودیان امید می‌دادند. با این حال، این پیشنهاد با مخالفت شدید روبرو شد.

چنین خصومتی عیسی را کشت، و مسیحیان می‌توانند تا پایان انتظار چنین مقاومتی را داشته باشند. نیاز به ایمان است. با این وجود، خدا پشت این جنبش جدید بود و هست.

لوقا، کار، تعلیم، مرگ و رستاخیز عیسی این حقیقت را نشان می‌دهد، در حالی که عصر جدید گسترش کلام را از طریق کلیسا از پطرس به اورشلیم تا پولس در روم، اعمال رسولان، پطرس به اورشلیم، پولس به روم نشان می‌دهد. این خیلی ساده است.

اما خلاصه‌ای از کتاب اعمال رسولان. هم یهودیان و هم غیریهودیان در این جامعه جدید مورد استقبال قرار می‌گیرند. در واقع، خدا کل ماجرا را هدایت کرده است.

نکته اول، باز هم، نقشه خداست. خدا کل ماجرا را هدایت کرده است، حتی تا جایی که یهودیان و غیریهودیان باید در جامعه جدید با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. اعمال رسولان ۱۰، فصل ۱۱، و فصل ۱۵.

سه فصل در اعمال رسولان، به ویژه فصل‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۵. مطمئن باشید که عیسی اراده، راه و برکت خدا را آشکار کرد.

برکات برای همه کسانی که متوجه می‌شوند گم شده‌اند، و بنابراین از طریق عیسی به خدا روی می‌آورند، در دسترس است، لوقا ۵:۳۰ تا ۳۲ و لوقا ۱۹:۱۰.

لوقا ۵:۳۰ تا ۳۲. و لوقا ۱۹:۱۰، که بسیاری آن را مهمترین آیه‌ای می‌دانند که پیام نجات لوقا را خلاصه می‌کند. زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات دهد.

خدا به وعده خود به کسانی که به او روی می‌آورند، عمل کرده و عمل خواهد کرد. او وعده‌هایی می‌دهد که ریشه‌هایشان در امید کتب مقدس باستانی امتداد دارد و تحقق آنها در عیسی آمده و خواهد آمد. اعمال رسولان ۲:۱۴ تا ۴۱؛ اعمال رسولان ۳:۱۱ تا ۲۶.

و تحقق آنها در عیسی آمده و خواهد آمد. این جمله بزرگی است. دوباره این کار را خواهیم کرد. خدا به وعده خود به کسانی که به او روی می‌آورند، عمل کرده و عمل خواهد کرد. وعده‌هایی که ریشه‌هایشان در امید کتب مقدس باستانی امتداد دارد. لوقا ۱، من قبلاً اینها را نداده‌ام. لوقا ۱:۱۴ تا ۱۷، لوقا ۱:۳۱ تا ۳۵؛ لوقا ۱:۵۷ تا ۷۹؛ لوقا ۴:۱۶ تا ۳۰. و دوباره، لوقا ۲۴:۴۴ تا ۴۷.

خداوند به وعده‌های خود به کسانی که به او روی می‌آورند، عمل خواهد کرد. ما این را در لوقا می‌بینیم. ما. آن را به طرز چشمگیری در کتاب اعمال رسولان می‌بینیم.

و آن وعده‌های نجات‌بخش ریشه در عهد عتیق دارند. لوقا ۱:۱۴ تا ۱۷، ۳۱ تا ۳۵، ۵۷ تا ۷۹؛ لوقا ۴:۱۶ تا ۳۰.۴۷ تا ۲۴:۴۴؛ و لوقا ۲۴:۴۴ تا ۳۰.۴۷.

و تحقق آن وعده‌ها، تحقق کامل، تحقق آن فرا رسیده است اما به طور کامل فرا نرسیده است. این هنوز در آینده در اعمال رسولان ۲:۱۴ تا ۴۱؛ اعمال رسولان ۳:۱۱ تا ۲۶ آمده است.

منشأ و هدف انجیل لوقا. اول از همه، نویسنده، نویسنده و منابع. نه انجیل لوقا و نه اعمال رسولان، نامی از نویسنده خود نمی‌برند. ترکیبی از شواهد خارجی و داخلی نشان می‌دهد که لوقا نویسنده هر دو اثر بوده است.

البته منظور از شواهد درونی، شواهدی است که در درون کتاب مورد مطالعه وجود دارد. در این مورد انجیل لوقا یا کتاب اعمال رسولان. البته منظور از شواهد بیرونی، شواهدی است که خارج از کتاب مورد مطالعه قرار دارند، مانند آنچه در نوشته‌های پدران کلیسا و نسخه‌های باستانی کتاب مقدس وجود دارد.

شواهد درونی. ویژگی‌های درونی بر دو نکته متمرکز هستند.

اول، همانطور که در لوقا ۱: ۱ تا ۴ دیدیم، نویسنده شاهد عینی اکثر وقایع این دو جلد، به ویژه وقایع مرتبط با خدمت عیسی، نبوده است. لوقا ۱: ۱ و ۲. بلکه، او به مطالعه خود از روایاتی که از نقل قول از آن مقدمه انجیل لوقا، شاهدان عینی و خادمان کلام، آمده است، تکیه کرده است. نقل قول نزدیک، لوقا ۱: ۲ تا ۴.

دوم، لوقا خود را به عنوان همراه پولس در آن بخش‌هایی از اعمال رسولان که به بخش‌های «ما» معروف هستند، معرفی می‌کند. و همینطور هم هست، یعنی لوقا به صورت سوم شخص می‌نویسد و سپس تغییر

می‌کند و به اول شخص جمع می‌رود. ما این کار را کردیم. ما آن کار را کردیم. ظاهراً خودش را در روایت خودش گنجانده است. اعمال رسولان ۱۰:۱۶ تا ۱۷. اعمال رسولان ۵:۲۰ تا ۱۵؛ اعمال رسولان ۱:۲۱ تا «و سپس در متن مربوط به غرق شدن کشتی، اعمال رسولان ۱:۲۷، تا ۱۶:۲۸. اینها بخش‌های «ما، ۱۸ هستند.

بنابراین، دو واقعیت. لوقا می‌گوید، دلالت بر این دارد که او شاهد عینی وقایعی که در انجیل خود می‌نویسد، نبوده است. دوم، گاهی اوقات خودش را در روایت خود از کتاب اعمال رسولان قرار می‌دهد. باز هم بخش‌های «ما» اعمال رسولان ۱۰:۱۶ تا ۱۷؛ اعمال رسولان ۵:۲۰ تا ۱۵. اعمال رسولان ۱:۲۱ تا ۱۸. اعمال رسولان ۱:۲۷ تا ۱۶:۲۸ هستند.

این ویژگی، اگرچه از نظر اعتبار تاریخی مورد بحث است، گزینه‌های مربوط به هویت نویسنده را محدود می‌کند. چرا باک به بحث‌هایی در مورد اعتبار تاریخی بخش «ما» اشاره می‌کند؟ چون او محقق خوبی است. آیا او به اعتبار اعتقاد دارد؟ بله، او اعتقاد دارد.

اما اگر به دیدگاه‌های مختلف اشاره نمی‌کرد، کارش را در تفسیر آکادمیک انجیل لوقا انجام نمی‌داد. و در واقع، گاهی اوقات حقیقت از جاهای خنده‌داری می‌آید. اما دارل باخ به کتاب مقدس ایمان دارد، به پیام لوقا. و اعمال رسولان ایمان دارد، همانطور که اگر یک صفحه از آثار او را بخوانید، این موضوع مشهود است.

بحث فعلی پیرامون بخش‌های «ما» این است که آیا آنها شهادت یک شاهد عینی را منعکس می‌کنند یا یک ابزار ادبی هستند که تصور حضور یک شاهد عینی را القا می‌کنند. مردم می‌خواهند این موضوع را دنبال کنند. در موضع اول، الیس کتابی را در سال ۱۹۷۴ نوشت. همسر، کالین همسر، ۱۹۸۹. هر دوی آنها مطالبی در مورد اینکه این یک داستان تخیلی است، نوشتند. «ما» یک داستان تخیلی است.

مفسر لیبرال در تفسیر معروف خود در سال ۱۹۷۱، هانسون، و دیگران نیز. همچنین این سوال مطرح می‌شود که نویسنده انجیل سوم چقدر پولس را می‌شناخته است. ببخشید.

بخش‌های اول کتاب اعمال رسولان، نویسنده خود را به عنوان همراه سفر پولس رسول به تصویر می‌کشد، کسانی که چنین ارتباطی را رد می‌کنند، سعی می‌کنند تصویر لوقا از پولس را با خودنگاره نامه‌های پولس مقایسه کنند. آنها استدلال می‌کنند که این دو تصویر از نظر جزئیات یا تأکید الهیاتی با هم مطابقت ندارند. علاوه بر این، لوقا از نامه‌های پولس برای توصیف کار و موقعیت پولس استفاده نمی‌کند.

ویلهاور، منتقد دیگری که می‌گوید بخش‌های مربوط به ما غیرقابل اعتماد هستند، ویلهاور، ویلهاور، برای کسانی که چنین تمایلی دارند. ویلهاور استدلال می‌کند که این پرتره‌ها برای اینکه نویسنده انجیل سوم از همراهان پولس باشد، خیلی از هم فاصله دارند.

اما فیتزمایر، مفسر کاتولیک رومی اعمال رسولان ۱۹۸۹، از این ارتباط دفاع می‌کند و استدلال می‌کند که یک ابزار ادبی خلاقانه نمی‌تواند توضیح دهد که چگونه واحدهای ما به چنین شیوه‌ای دلخواه ظاهر و ناپدید می‌شوند. او همچنین خاطرنشان می‌کند که چندین ارجاع به دریانوردی، که می‌توانند نامزد چنین الحاقات ادبی باشند، فاقد آنها هستند.

جوزف فیتزمایر اظهار می‌کند که لوقا ممکن است تنها یک همراه جوان‌تر باشد، برخلاف ادعای مشهور ایرنائوس مبنی بر اینکه لوقا از پولس جدایی‌ناپذیر بوده است. ایرنائوس این را در کتاب خود با عنوان «علیه بدعت‌ها» ۳.۱۴.۱ بیان کرده است. علاوه بر این، گلدر، یکی دیگر از لیبرال‌ها، در سال ۱۹۸۹، اظهار می‌کند که لوقا ممکن است نامه اول پولس به قرنتس و تا حد کمتری، نامه اول او به تسالونیک را می‌دانسته و به آن

اشاره کرده باشد. دیگران از سازگاری دو تصویر پولس، اف. اف. بروس، در نوشته‌هایش با عنوان «پولس و رسول قلب آزاد»، ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶، دفاع می‌کنند.

بنابراین، شواهد داخلی در لوقا و اعمال رسولان به ما می‌گوید که نویسندگان پولس را می‌شناخته و حداقل یک مسیحی نسل دوم بوده است.

شواهد خارجی: ما با نویسندگان انجیل لوقا و اعمال رسولان سر و کار داریم، و با اطلاعات درون انجیل لوقا-اعمال رسولان کار کردیم، و اکنون به طور گسترده‌تری در حال بررسی اطلاعات خارجی، اطلاعات خارج از آن، به ویژه در پدران کلیسا هستیم. شواهد خارجی: نامه‌های پولس برخی از نامزدهای بالقوه‌ای را که با پولس سفر کردند، نام می‌برد.

ضمناً، شواهد خارجی از لوقا شامل بقیه کتاب مقدس یا بخش‌هایی است که به لوقا مربوط می‌شوند، نامه‌های پولس برخی از نامزدهای بالقوه‌ای را که با پولس، مرقس، ارسترخوس، دیماس و لوقا سفر کردند، نام می‌برد. فلیمون ۲۴، کولسیان ۴:۱۴. به این لیست، می‌توان چهره‌هایی مانند تیموتائوس، تیطوس، سیلاس، اپافراس و برنابا را اضافه کرد.

با این حال، علیرغم انتخاب گسترده نامزدهای بالقوه به عنوان همراهان پولس و نویسندگان احتمالی همانطور که در اعمال رسولان آمده است، سنت کلیسا تنها به یک نام به عنوان نویسنده این دو جلد، یعنی لوقا، توجه می‌کند. این سنت تا سال ۲۰۰ میلادی در کلیسای اولیه کاملاً تثبیت شده بود و بدون هیچ گونه اشاره‌ای به نظر مخالف، همچنان پابرجاست. شما می‌گویید سال ۲۰۰، آیا این دیر نیست؟ دیر نیست.

وقتی حمل و نقل و ارتباطات را در قرن اول میلادی در نظر می‌گیرید، امروز اتفاقی در جایی از جهان رخ داده و لحظاتی بعد، همه جا در اخبار است؛ باورنکردنی است. مطمئناً اینطور نبوده، و فقط با توجه به موضوع کتاب‌های مقدس، چون انجیل‌های جعلی، کتاب‌های اعمال رسولان، نامه‌های منسوب به حواریون و حتی مکاشفه‌ها، کتاب‌های وحی، زیاد بوده‌اند. مثلاً، یک انجیل از پطرس وجود دارد که او آن را ننوشته، اما یک اعمال پطرس وجود دارد، یک نامه سوم از پطرس هم وجود دارد که آن را هم ننوشته، و یک مکاشفه پطرس وجود دارد که به پطرس نسبت داده شده، و اینکه این نام این‌ها بوده، این نام این‌ها بوده است.

ما از کلیسا سپاسگزاریم که وقت خود را صرف بررسی تمام این نوشته‌ها کرد. انجیل توماس توسط کلیسا پذیرفته نشد زیرا یک انجیل، طبق تعریف خود، شامل مرگ و رستاخیز عیسی است. بنابراین، یک سند صرفاً گفتاری مانند توماس به این موضوع تعلق ندارد؛ این یک انجیل کتاب مقدسی نیست.

نمی‌گوییم که برای کسب اطلاعات در مورد عیسی و یهودیت قرن اول و غیره بی‌ارزش است، اما انجیل کتاب مقدس نیست. بنابراین، ارتباط بسیار کندتر بود و ما سپاسگزاریم که کلیسا وقت گذاشت و کتاب مقدس را به درستی گردآوری کرد، و اینکه لوقا-اعمال رسولان تا سال ۲۰۰ به عنوان نوشته‌های لوقا کاملاً تثبیت شده است، واقعاً عالی است. عدم وجود هرگونه اختلاف نظر در مورد این جزئیات، دلیل محکمی برای جدی گرفته شدن این سنت است.

اشارات به انجیل لوقا در اوایل قرن اول، در اول کلمنت ۲:۱۳ و ۴:۴۸، دیده می‌شود. اول کلمنت، یکی از پدران رسولی، ۲:۱۳ و ۴:۴۸، که در اواخر قرن اول حدود سال‌های ۹۵-۹۶ میلادی نوشته شده است. دوم کلمنت ۴:۱۳، حدود سال ۱۰۰، نیز به انجیل لوقا اشاره دارد. علاوه بر این، استفاده از آموزه‌های عیسی در لوقا ۷:۱۰ منعکس شده است که در اول تیموتائوس ۵:۱۸ نیز آمده است. کارگر مستحق دستمزد خود است و پولس در اول تیموتائوس ۵:۱۸ او را به خدمت می‌گیرد. آیه ۱۷ می‌گوید: بزرگانی که به خوبی حکومت می‌کنند، شایسته احترام مضاعف هستند، به خصوص کسانی که در موعظه و تعلیم برای کتاب مقدس

زحمت می‌کشند. او در اینجا دو چیز را با هم ترکیب می‌کند. او نقل قولی از عهد عتیق از تثنیه ۴:۲۵ را با آیه‌ای از لوقا که به تازگی در لوقا ۷:۱۰ دیدیم و به آن اشاره کردیم، ترکیب می‌کند. جالب اینجاست که کارگر سزاوار دستمزد خود است. جالب اینجاست که در نوشته‌های پولس از این به عنوان کتاب مقدس یاد می‌شود. در حال حاضر متون متعددی در مورد نویسندگی به آن اشاره می‌کنند.

جاستین شهید، حدود سال ۱۶۰ میلادی در گفتگو با تریفو ۱۹:۳۰، از لوقا صحبت می‌کند که خاطراتی از عیسی نوشته و اشاره می‌کند که نویسنده از پیروان پولس است. قانون موراتوریم حدود سال‌های ۱۷۰ تا میلادی، این انجیل را به لوقا، پزشکی که همراه پولس است، نسبت می‌دهد. ایرنائوس حدود سال‌های ۱۸۰ تا ۱۹۵ میلادی در کتاب‌های «علیه بدعت‌ها ۳.۱.۱» و «و ۳.۱۴.۱ و ۳.۱.۱»، انجیل را به لوقا، از پیروان ۱۷۵ پولس، نسبت می‌دهد و اشاره می‌کند که چگونه بخش‌های «ما» این ارتباط را نشان می‌دهند، بنابراین پدران کلیسا به بخش‌های «ما» در مقدمه‌ی به اصطلاح ضد مارسیونی لوقا حدود سال ۱۷۵ اشاره کردند و لوقا را به عنوان اهل انطاکیه در سوریه توصیف کردند، اعمال رسولان ۱۹:۱۱-۳۰، اعمال رسولان ۱۳:۱-۳ و اعمال رسولان ۳۰:۱۵-۳۵ را مقایسه کنید. گفته می‌شود که او ۸۴ سال عمر کرد، پزشک بود، مجرد بود، در اخائیه می‌نوشت و در بوئوتیا درگذشت.

ترتولیان در اوایل قرن سوم در کتاب‌های «علیه مارسیون ۲:۲ و ۳:۵، ۳:۵ و ۴:۵» «این انجیل را خلاصه‌ای از انجیل پولس می‌داند. مقدمه «علیه مارسیون» که مربوط به قرن سوم یا چهارم است، سن لوقا را در زمان مرگ ۷۴ سال ذکر می‌کند.

در نهایت، یوسیبوس در اوایل قرن چهارم در تاریخ کلیسا، فصل ۲:۴، از لوقا به عنوان همراه پولس، اهل انطاکیه و نویسنده این جلدها یاد می‌کند. جوزف فیتزمر، مفسر کاتولیک رومی که قبلاً به او اشاره شد، در سال ۱۹۸۱ در کتاب خود، صفحه ۴۰، شواهد خارجی را به راحتی به دو دسته تقسیم می‌کند: آنچه را می‌توان از عهد جدید استنباط کرد و آنچه را نمی‌توان از آن استنباط کرد. اینکه لوقا پزشک بود، با پولس مرتبط بود، شاهد عینی نبود و انجیل خود را با نگرانی برای غیریهودیان نوشت. این حقایق هستند که عهد جدید روشن می‌کند که لوقا اهل سوریه بود. انجیل پولس اعلام کرد که مجرد بود، فرزندی نداشت و در سن پیری درگذشت. ایده‌هایی هستند که در عهد جدید وجود ندارند، اگرچه تفاوت‌ها در مورد سن لوقا در هنگام مرگ به ما می‌گوید که همه چیز در این روایات بدون شک درست نیست. وحدت

آنها در مورد نویسندگی، تقریباً شناسایی لوقا را به عنوان نویسنده انجیل قطعی می‌کند. شهادت این روایت همچنین ارتباط لوقا با پولس را به احتمال زیاد لوقا را غیریهودی و پزشک می‌داند.

دو سوال دیگر در مورد لوقا نیاز به بحث دارد. آیا او غیریهودی بود؟ آیا او پزشک بود؟ اکثر مردم لوقا را غیریهودی می‌دانند، هرچند در مورد اینکه آیا او یک غیریهودی خالص بوده یا یک سالی غیریهودی بحث می‌کنند. یک استثنا الیس ۱۹۷۴ است که استدلال می‌کند لوقا یک مسیحی یهودی هلنیستی بوده است زیرا اولاً، دانش لوقا از عهد عتیق زیاد بوده است. ثانیاً، اشاره کولسیان ۱۰:۴ و ۱۱ به افراد ختنه‌شده نشان نمی‌دهد که لوقا یهودی نبوده، بلکه صرفاً او یک هلنیست بوده است.

و ثالثاً، استفاده از زبان فلسطینی ریشه‌های یهودی لوقا را نشان می‌دهد، اما قرائت الیس از کولسیان ۱۰:۴ و ۱۱ یک قرائت طبیعی نیست زیرا همه یهودیان ختنه می‌شوند. و ثالثاً، لوقا ۱۴:۴ در فهرست ختنه‌شدگان قرار ندارد.

اخیراً، سالمون ۱۹۸۸ از این دیدگاه دفاع می‌کند و خاطرنشان می‌سازد که نویسنده، گروه‌های یهودی را از هم متمایز می‌کند تا به تفصیل به بحث در مورد مناسک تورات پردازد.

سه مورد اینکه او به رسالت غیریهودیان به عنوان یک مشکل یهودی علاقه‌مند است و چهار مورد اینکه مسیحیت را فرقه‌ای از یهودیت می‌نامد، می‌تواند به این موارد اضافه شود. نمی‌توان این احتمال قومی را برای لوقا رد کرد، اما عوامل دیگری که در ادامه به همراه کولسیان ۴:۱۴ ذکر شده‌اند، این احتمال را کمتر می‌کنند. فیتزمایر دوباره در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد می‌کند که لوقا یک سامی غیریهودی است، زیرا یکی از آنها متن کولسیان ۴:۱۰ و ۱۱ و ۱۴ است. شکل کوتاه شده نام لوقا، شکل یونانی یک نام لاتین است. و سه مورد، جزئیات سنت کلیسا که لوقا را در انطاکیه سوریه قرار می‌دهد. این دیدگاه کاملاً ممکن است. باک توضیح می‌دهد، در واقع، وقتی کسی نکات فیتزمایر را با نکات سالمون کنار هم قرار می‌دهد، این احتمال وجود دارد که لوقا قبلاً خداترس یا یهودی تازه مسلمان بوده باشد.

من مطمئناً باید از کولسیان ۴ بخوانم زیرا این بخشی از آن اطلاعات داخلی در مورد لوقا است. کولسیان ۱۱ و ۱۴: آریستارخوس، همزندان من در کولسی و مرقس، پسرعموی برنابا که درباره‌اش دستور ۴:۱۰ گرفته‌اید، به شما سلام می‌رسانند. اگر او نزد شما آید، او و عیسی ملقب به یوستوس را بپذیرید، اینان تنها مردان ختنه‌شده از همکاران من برای پادشاهی خدا هستند و مایه تسلی من بوده‌اند. اِپفراس، که یکی از شما و خادم مسیح عیسی است، به شما سلام می‌رساند و همیشه در دعاهای خود برای شما تلاش می‌کند تا بالغ و کاملاً مطمئن در تمام اراده خدا بایستید. با گذشتن از آیه ۱۴، لوقا، پزشک محبوب، و همچنین دیماس، به شما سلام می‌رسانند.

اکثر مفسران، لوقا را بدون هیچ توضیح بیشتری، غیریهودی می‌دانند. آنها به آیاتی که من در کولسیان ۴ خواندم اشاره می‌کنند. آنها به اعمال رسولان ۱ آیه ۱۹ اشاره می‌کنند که از یک مزرعه با نام سامی نام می‌برد و سپس از «زبان آنها» صحبت می‌کند که نشان می‌دهد زبان لوقا نیست. اعمال رسولان ۱۹:۱ از یک مزرعه با نام سامی نام می‌برد و سپس از «زبان آنها» صحبت می‌کند که آن را از نویسنده متمایز می‌کند. یعنی لوقا ۳ به توجه به مناطق هلنیستی و نگرانی برای غیریهودیان اشاره می‌کند. این استدلال آخر قوی نیست زیرا یک یهودی مانند پولس می‌توانست در چنین مناطق جغرافیایی و نگرانی‌هایی قرار بگیرد.

در برخی منابع، به احتمال زیاد لوقا غیریهودی بوده است، اگرچه مشخص نیست که آیا پیشینه فرهنگی او سامی بوده است یا خیر، در هر صورت، او احتمالاً قبل از ایمان آوردن به مسیح با یهودیت ارتباط مذهبی داشته است. در

کولسیان ۴:۱۴ به لوقا به عنوان یک پزشک اشاره شده است. در سال ۱۸۸۲، هوبارت سعی کرد با اشاره به تمام شواهد کلامی فنی برای حرفه لوقا، این ارتباط را تقویت کند. با وجود منابع فراوانی که هوبارت جمع‌آوری کرد، این موضوع با کار کادبری در سال ۱۹۲۶ مبهم شد. او نشان داد که تقریباً تمام واژگان فنی پزشکی ادعایی در اسناد روزمره یونانی مانند سپتوآجینت، یوسفوس، لوسیان و پلوتارک وجود دارد. این بدان معناست که این زبان می‌توانسته از یک فرد باسواد با هر حرفه‌ای گرفته شده باشد. با این حال، کار کادبری انکار نمی‌کند که لوقا می‌توانسته پزشک باشد، اما فقط این را می‌گوید که واژگان این کتاب‌ها تضمین نمی‌کند که او پزشک بوده باشد.

در نهایت، مسئله مربوط به چگونگی نگاه به رساله کولسیان و سنت مربوط به لوقا است که در کلیسای اولیه شکل گرفته است. از آنجایی که ذکر چنین جزئیاتی ضروری نبود و هیچ گونه جنبه دفاعی نداشت، می‌توان آن را منعکس کننده واقعیت دانست.

بنابراین، لوقا گاهی همراه پولس بوده است. او احتمالاً پزشک و احتمالاً اهل انطاکیه سوریه بوده است. او یهودی نیست، هرچند مشخص نیست که سوری بوده یا یونانی-رومی. روایت همچنین نشان می‌دهد که او عمر طولانی داشته است.

در سخنرانی بعدی خود، به منابع لوقا-اعمال رسولان خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد الهیات لوقا-اعمال رسولان. این جلسه اول کتابشناسی لوقا، و سپس مرور کلی و نویسندگی دارل باک است.